

## ریشه‌یابی سنت امروزی یادگاری نوشتن در سنگ‌نگاره‌های ایران

سیروان محمدی قصریان\*

\* بنیاد ایران‌شناسی، شعبه استان کردستان

### چکیده

در کنار سنگ‌نگاره‌های باستانی در نقاط مختلف کشور یادگاری‌هایی دیده می‌شود که این فرض را در ذهن بوجود می‌آورد که سنگ‌نگاره‌های باستانی نیز می‌توانسته به نوعی به قصد یادگاری نوشتن حک شده و در واقع می‌توان ریشه این سنت امروزی را در دلیل حک شدن سنگ‌نگاره‌ها دنبال کرد. مصاحبه با افرادی که امروزه نیز نقوشی شبیه آنچه که در اکثر سنگ‌نگاره‌های باستانی دیده می‌شود را به قصد یادگاری حک کرده‌اند این فرض را تقویت می‌کند. آنچه که در این مقاله در مورد معنی و مفهوم سنگ‌نگاره‌ها به بحث گذاشته می‌شود با تفسیر شمنیسم ارائه شده در مورد صحنه‌های حک شده در سنگ‌نگاره‌های ارسباران در شمال غرب ایران کاملاً متفاوت است. البته تفسیر ارائه شده در این مقاله بسیار کلی بیان شده و نمی‌توان گفت که تمامی این آثار در سراسر ایران از دوره پیش از تاریخ گرفته تا زمان حال تنها و تنها به یک نیت و آن هم به قصد یادگاری نوشتن خلق شده باشند ولی به نظر می‌رسد که ایده غالب در خلق سنگ‌نگاره‌های ایران باشد.

**واژگان کلیدی:** سنگ‌نگاره، شمنیسم، یادگاری، سنگ قبر، ارسباران.

### درآمد

اهمیت و نقش سنگ‌نگاره‌ها در مطالعه فرهنگ‌های کشورهای مختلف دنیا بر کسی پوشیده نیست. مطمئناً ایران نیز از این قاعده در دنیا مستثنا نبوده و ویژه که مکان‌های بی‌شماری از این آثار در سراسر کشور شناسایی شده است. بررسی معنی و مفهوم سنگ‌نگاره‌ها و اینکه این آثار با چه قصد و نیتی خلق شده‌اند از جمله مباحث کلیدی در ارتباط با مطالعه این آثار نه تنها در ایران بلکه در سراسر دنیا به حساب می‌آید. با نگاهی کلی به تاریخچه مطالعات سنگ‌نگاره‌های ایران (قسیمی و محمدی قصریان، ۱۳۹۰) متوجه می‌شویم که محققان پیشتر به بررسی، شناسایی و معرفی آثار پرداخته و کم‌تر در باره مباحث کلیدی نظیر تاریخ‌گذاری و یا تفسیر به تحقیق پرداخته‌اند. در این میان جلال‌الدین رفیع‌فر از جمله محققانی است که به تفصیل به تحقیق در مورد معنی و مفهوم نقوش ارسباران در شمال غرب ایران پرداخته است (Rafifar, 2007). وی از طریق مقایسه تعدادی از نقوش انسانی ارسباران با یکی دو صحنه از نقوش انسانی در سنگ‌نگاره‌های کشورهای ارمنستان، آذربایجان و قزاقستان در همسایگی ایران موفق به شناسایی شواهدی از آیین شمنیسم در نقوش ارسباران شده است (Rafifar, 2007). اما همانطور که در ادامه بحث خواهد شد به نظر می‌رسد که نمی‌توان نقوش ارسباران و به طور کلی نقوش دیگر نواحی ایران را در قالب آیین شمنیسم و یا هر آیین دیگری به بحث گذاشت (Mohammadi Ghasrian, 2015).

اهمیت و نقش سنگ‌نگاره‌ها در مطالعه فرهنگ‌های کشورهای مختلف دنیا بر کسی پوشیده نیست. مطمئناً ایران نیز از این قاعده در دنیا مستثنا نبوده و ویژه که مکان‌های بی‌شماری از این آثار در سراسر کشور شناسایی شده است. بررسی معنی و مفهوم سنگ‌نگاره‌ها و اینکه این آثار با چه قصد و نیتی خلق شده‌اند از جمله مباحث کلیدی در ارتباط با مطالعه این آثار نه تنها در ایران بلکه در سراسر دنیا به حساب می‌آید. با نگاهی کلی به تاریخچه مطالعات سنگ‌نگاره‌های ایران (قسیمی و محمدی قصریان، ۱۳۹۰) متوجه می‌شویم که محققان پیشتر به بررسی، شناسایی و معرفی آثار پرداخته و کم‌تر در باره مباحث کلیدی نظیر تاریخ‌گذاری و یا تفسیر به تحقیق پرداخته‌اند. در این میان جلال‌الدین رفیع‌فر از جمله محققانی است که به تفصیل به تحقیق در مورد معنی و مفهوم نقوش ارسباران در شمال غرب ایران پرداخته است (Rafifar, 2007). وی از طریق مقایسه تعدادی از نقوش انسانی ارسباران با یکی دو صحنه از نقوش انسانی در سنگ‌نگاره‌های کشورهای ارمنستان، آذربایجان و قزاقستان در همسایگی ایران موفق به شناسایی شواهدی از آیین شمنیسم در نقوش ارسباران شده است (Rafifar, 2007). اما همانطور که در ادامه بحث خواهد شد به نظر می‌رسد که نمی‌توان نقوش ارسباران و به طور کلی نقوش دیگر نواحی ایران را در قالب آیین شمنیسم و یا هر آیین دیگری به بحث گذاشت (Mohammadi Ghasrian, 2015).

Email Address: mohammadi.sirvan@gmail.com

### یادگاری نوشتن یا شمنیسم؟

همانطور که ذکر گردید رفیع‌فر از طریق مقایسه برخی از نقوش انسانی سنگ‌نگاره‌های ارسباران با یکی دو محوطه در کشورهای ارمنستان، آذربایجان و قزاقستان در همسایگی ایران وجود نشانه‌هایی از آیین شمنیسم را در این نقوش مطرح ساخته است (رفیع‌فر، ۱۳۸۱؛ Rafifar, 2007)، اما اگر بپذیریم آنگونه که رفیع‌فر معتقد است که شواهدی از شمنیسم در سنگ‌نگاره‌های ارسباران وجود دارد، بایستی این شواهد را نیز برای دیگر آثار نواحی مختلف ایران مطرح ساخت زیرا به رغم مشابهت نقوش انسانی ارسباران با نقوش کشورهای یاد شده (خصوصاً ارمنستان و آذربایجان) شباهت‌های انکارناپذیر بیش‌تری بین نقوش ارسباران و دیگر نقاط داخل ایران دیده می‌شود. نقش‌مایه‌های اصلی نقوش ارسباران را نقوش انسانی و حیوانی (به ویژه دسته‌های بزکوهی) شکل می‌دهند. نقش‌مایه‌ای که مضمون بیش از ۸۰ درصد سنگ‌نگاره‌های ایران است و به کرات در دیگر نقاط ایران از سراوان زاهدان گرفته (Sarhadi, 2013)؛ حیدری، ۱۳۸۲) تا کردستان (قسیمی، ۱۳۸۵؛ Lahafian, 2004; Ghasimi, 2007; Ghasimi et al., 2015)، نقاط مرکزی کشور (فرهادی، ۱۳۷۷؛ ناصری‌فرد، ۱۳۸۵؛ محمدی قصریان، ۱۳۸۶؛ کریمی، ۱۳۸۶)، لرستان (ایزدپناه، ۱۳۴۸؛ Remacle et al., 2006) و شمال خراسان (وحدتی، ۱۳۸۹) نیز دیده می‌شود (تصاویر ۱ تا ۸).

همگونی انکارناپذیری از لحاظ مضمون بین سنگ‌نگاره‌های نواحی مختلف ایران دیده می‌شود. به طوری که نمی‌توان دسته‌ایی از این آثار را در یک قسمتی از کشور بدون در نظر گرفتن آثار سایر نقاط تفسیر کرد. مسأله‌ای که رفیع‌فر از آن غفلت کرده و به شباهت‌های موجود بین سنگ‌نگاره‌های ارسباران و دیگر نقاط داخل کشور کم توجهی می‌کند و بیش‌تر نگاهش به کشورهای همسایه شمالی است. نامبرده نقوش انسانی ارسباران را با نقوش انسانی سنگ‌نگاره‌های گغامای ارمنستان، قوبستان آذربایجان و تام‌گلی قزاقستان مقایسه کرده و معتقد است که با توجه به شباهت‌های موجود شواهدی از آیین شمنیسم را در نقوش ارسباران یافته است (Rafifar, 2007). لازم به ذکر است که از میان ۳ مجموعه یاد شده، تنها

نقوش تام‌گلی قزاقستان در چارچوب آیین شمنیسم قابل تفسیر است و نقوش قوبستان آذربایجان و گغامای ارمنستان شواهدی از آیین شمنیسم را نشان نمی‌دهند. هم‌چنین با دقت به نقوش تام‌گلی نیز متوجه می‌شویم که هیچ‌گونه شباهتی بین نقوش ارسباران و این مجموعه دیده نمی‌شود. (تصویر ۹)

اما تفسیر شمنیسمی که امروزه از سوی محققان در مورد پیش‌تر نقوش مناطقی نظیر آسیای مرکزی (Frankfort, 1998; Develet, 2000; Rozwadowski, 2004) و آفریقای جنوبی (Lewis-Williams, 2001) و یا آمریکای شمالی (Whitley, 1998) بیان شده در نتیجه انجام مطالعات قوم‌شناختی در این مناطق بوده که امروزه نیز این آیین در میان قبایل همان مناطق دیده می‌شود و از بین نرفته است. در این آیین شخصی که به مقام شمن قبیله برگزیده می‌شود دارای این توانایی بوده که با دنیای مردگان و عالم ماسوی و یا جهان زیرین در ارتباط و حرکت باشد. شخص شمن از طریق انجام یک سری حرکات موزون وارد خلسه شده و به این توانایی دست می‌یابد. پوشش شخص شمن متفاوت از پوشش سایر افراد قبیله بوده و به راحتی از بقیه افراد قابل تمییز است. این پوشش ویژه شمن نظیر X-Ray و یا Solar-headed figure و حتی تقسیم‌بندی سه‌طبقه‌ای کیهان در این جهان‌بینی را به وضوح در سنگ‌نگاره‌ها می‌توان دید (Rozwadowski, 2004; Develet, 2001). شواهدی که در سنگ‌نگاره‌های ایران دیده نمی‌شود. آیا اصلاً آیین شمنیسم نیز در ایران وجود داشته و یا دارد که بتوان رد آن را در سنگ‌نگاره‌ها گرفت؟ فیلیپ ژینو<sup>۱</sup> محقق برجسته‌ای که سال‌ها بر روی باورها و آیین ایرانیان به مطالعه پرداخته و مطالب زیادی را در این زمینه منتشر کرده به صراحت بیان می‌کند که هیچ‌گونه داده باستان‌شناختی و یا قوم‌شناختی که بتواند نشان‌دهنده وجود این آیین در میان ایرانیان چه در گذشته و چه در زمان حال باشد در دست نیست (Gignoux, 2004; 2005). بنابر این وقتی شواهدی قطعی از خود این آیین شبیه آنچه که در بعضی کشورهای دنیا دیده می‌شود در ایران وجود ندارد، نمی‌توان سنگ‌نگاره‌های ایران را

1- Philippe Gignoux

نیز در این چارچوب مورد مطالعه قرار داد.

اما وجود شباهت‌های آشکار صحنه‌های حک شده از نقوش حیوانی در حال شکار بر روی سنگ مزارهای قبرستان‌های دوره‌های اسلامی متأخر نواحی وسیعی در استان‌های کرمانشاه، لرستان و ایلام (Mortensen, 2010) با صحنه‌هایی از نقوش حیوانی که در سنگ‌نگاره‌های جای جای ایران دیده می‌شود باعث ایجاد ذهنیت متفاوتی از معنی و تفسیر این آثار در ذهن می‌شود. البته این ذهنیت در پی مصاحبه با یکی از معدود افراد باقی مانده که امروزه نیز سنت حک کردن نقوش را ادامه داده بوجود آمد. عزیزمراد معروف به میرشکار از جمله شکارچیان باقی مانده در منطقه بیستون کرمانشاه بوده که صحنه شکار را روی سنگ مزارش قبل از مرگ نقش کرده است. خوشبختانه پیش از مرگ، موفق به دیدار وی در بیستون و انجام مصاحبه با وی شدیم. آنچه که نظر ما را در سنگ قبر شخص یاد شده به خود جلب کرد نقوش و نوشته روی آن بود، صحنه خود عزیزمراد در حال شکار و این نوشته در پایین آن: یادگار عزیزمراد معروف به میرشکار. از وی پرسیده شد که چرا چنین صحنه‌ای را برای حک کردن بر روی سنگ مزارش انتخاب کرده؟ جواب فقط یک کلمه بود: یادگاری. عنوانی آشنا که در کنار سنگ‌نگاره‌های باستانی نقاط مختلف ایران نیز دیده می‌شود (تصاویر ۱۰ تا ۱۴).

### بحث و برآیند

نمی‌توان علاقه ایرانیان به شکار و شکار رفتن، بالیدن و افتخار کردن به این توانایی و میل به تصویر کشیدن آن بر روی صخره‌ها و دیواره غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای را از دیرباز منکر شد. نمونه بارز این علائق را حتی در میان طبقه حاکم جامعه می‌توان در حجاری‌های طاق بستان کرمانشاه دید. این حجاری‌ها شخص حاکم را در حال شکار نشان می‌دهد که خدم و حشم همراه او در حال رم‌دادن حیوانات به داخل شکارگاه هستند. داستانی که مضمون درصد قابل توجهی از سنگ‌نگاره‌های ایران را به خود اختصاص داده است. تا همین یکی دو دهه اخیر در بسیاری از روستاها سنت شکار رفتن به صورت گروهی با به‌راه انداختن سر و صدا برای رم دادن شکار

برقرار بود. اکثر نواحی که در آن‌ها نقوش صخره‌ای گزارش شده خصوصاً در نواحی مرکزی کشور نظیر تیمره (فرهادی، ۱۳۸۸) به علت شکار بی‌رویه شکارچیان به عنوان منطقه شکار ممنوع و حفاظت شده اعلام گردیده‌اند. اما شمنیسم به آن صورتی که در کشورهای آسیای میانه و یا سایر نقاط دنیا نظیر کشورهای آفریقای جنوبی و یا آمریکای شمالی وجود دارد در باور و فرهنگ ایرانی‌ها وجود نداشته و اگر در میان قوم و قبیله‌ای در گوشه و کنار ایران آیینی شبیه آن قبلاً شناسایی شده یا در آینده شناسایی شود به هیچ وجه عمومیت نداشته که بتوان بازتاب آن را به این گستردگی در سنگ‌نگاره‌های ایران دید. به طور کلی معتقدم که سنگ‌نگاره‌های ایران نمی‌توانند دربرگیرنده مضامین آیین خاصی نظیر شمنیسم و یا دیگر ایدئولوژی‌ها باشند، بلکه بر این باورم که سطح صاف و مسطح بسیاری از صخره‌ها و یا دیواره غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای در نقاط مختلف ایران به عنوان یک تابلوی آماده در طول هزاره‌ها می‌توانسته توجه هر رهگذری را فارغ از مرام و مسلک او برای حک کردن نقشی به عنوان یادگاری به خود جلب کند. لازم به ذکر است که تمامی سنگ‌نگاره‌های ایران را فقط نقوش حیوانی و صحنه‌های شکار تشکیل نمی‌دهد و در این میان استثناهایی نظیر نقوش نمادین، هندسی و گیاهی نیز دیده می‌شود. در نتیجه نمی‌توان گفت که تمامی این آثار در سراسر ایران از دوره پیش‌ازتاریخ گرفته تا زمان حال تنها و تنها به یک نیت و آن هم به قصد یادگاری نوشتن و فقط توسط شکارچیان خلق شده باشند. معتقدم که یادگاری نوشتن می‌توانسته ایده غالب در خلق سنگ‌نگاره‌های ایران باشد.

### منابع

الف) فارسی

ایزدپناه، حمید، ۱۳۴۸، «نقاشی‌های پیش‌ازتاریخ در غارهای لرستان»، *مجله باستان‌شناسی و هنر*، شماره ۳: ۱۱-۶.

بیک، محمدی، خلیل‌الله، محسن جان‌جان و و نسرين بیک، محمدی، ۱۳۹۱، «معرفی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس

قسیمی، طاهر و سیروان محمدی قصریان، ۱۳۹۰، «نقوش صخره‌ای ایران»، در: *مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران*، به کوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و موزه ملی ایران، صص ۱۱۷-۱۲۸.

کریمی، فریبا، ۱۳۸۶، «نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران بر مبنای مطالعات میدانی»، *باستان‌پژوهی*، دوره جدید، سال دوم، شماره سوم، صص ۲۰-۳۵.

محمدی قصریان، سیروان، ۱۳۸۶، «معرفی نقوش کنده سنگستون در فلات مرکزی ایران»، *باستان‌پژوهی*، دوره جدید، سال دوم، شماره سوم، صص ۸۵-۹۰.

ناصری‌فرد، محمد، ۱۳۸۵، *موزه‌های سنگی، هنرهای صخره‌ای (سنگ‌نگاره‌های ایران)*، اراک: انتشارات نوای دانش.

وحدتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۹، *بوم‌های سنگی: گزارش بررسی دو مجموعه هنر صخره‌ای در استان خراسان شمالی (جربت و نرگسلوی علیا)*، بجنورد: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان شمالی.

Develet, E., 2000, "X-Ray Style Anthropomorphic Rock Art Images and Mythological Subject of Obtaining the Gift of Shamanism", *Archaeology, Ethnography and Anthropology of Eurasia*, Vol. 2, No. 2, pp. 88-95.

———, 2001, "Rock Art and the Material Culture of Siberian and Central Asian Shamanism", In: *The Archeology of Shamanism*, Pirce, N.S., (Ed.), pp. 43-54.

Frankfort, H.P., 1998, "Central Asian Petroglyphs: between Indo-Iranian and Shamanistic Interpretation", In: *The Archaeology of Rock Art*, Chippendale, C., & Tacon, P.S.C., (Eds.), pp. 302-313, Cambridge: Cambridge University Press.

Ghasimi, T., 2007, "La Gravures Rupestres d'Uraman (Iran)", *Préhistoire, art et société*, Vol. LXII, pp. 89-106, Bulletin de la Société préhistorique Ariège-Pyrénées.

سفلی (ملایر-همدان)، *نامه باستان‌شناسی*، شماره ۲، دوره دوم، صص ۱۴۰-۱۲۱.

حیدری، محمد، ۱۳۸۲، *ویژه‌نامه سنگ‌نگاره‌های بلوچستان*، گاهنامه آوای باستان، نشریه انجمن علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، شماره سوم، صص ۲-۴۸.

رفیع‌فر، جلال‌الدین، ۱۳۸۱، «سنگ‌نگاره‌های ارسباران (سونگون)»، *نامه انسان‌شناسی*، دوره اول، شماره اول، صص ۴۵-۷۵.

فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۷، *موزه‌هایی در باد، رساله‌ای در باب مردم‌شناسی هنر (گزارش مجموعه سنگ‌نگاره‌ها و نمادهای نویافته صخره‌ای تیمره)*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

قسیمی، طاهر، ۱۳۸۵، *بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای در استان کردستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

ب) غیرفارسی

Ghasimi, T., Ghasimi, A., Ghasimi, S., 2015, "The Investigation of Rock Arts at the Karaftou Cave and Its Surrounding Sites, North of Kurdistan, Iran", In: *Symbols in the Landscape: Rock Art and its Context*, González, F.A., Arranz, J.J.G., Ávila, E.P., Cerrillo, E.R., & Alegre, E.S., (Eds.), XIX International Rock Art Conference IFRAO 2015, Cáceres (University of Extremadura, Spain), 31 August- 4 September.

Gignoux, P., 2004, "Ancient Iranian Religions and Shamanism", In: *Shamanism, An Encyclopedia of World Beliefs, Practices and Cultures*, Walter, M.N., & Neumann Fridman, E.J., (Eds.), pp. 529-32.

———, 2005, "Shamanism and its Connection to Iran", In: *Encyclpaedia Iranica*, Yarshter, E., (Ed.), Costa Mesa, California: Mazda Publishers.

Lahafian, J., 2004, "Petroglyphs of Kurdistan", *Rock Art Research*, Vol. 21, No. 1, pp. 3-10.

Lahafian, J., 2010, "Cupules in Kurdistan Rock Art", *Rock Art Research*, Vol. 27, No. 2, pp. 177-183.

Lewis-Williams, J.D., 2001, "Southern African Shamanistic Rock Art in its Social and Cognitive Contexts", In: *The Archeology of Shamanism*, Pirce, N.S., (Ed.), pp. 17-39.

Mohammadi Ghasrlian, S., 2015, "Writing Memento or Shamanism? Two Different Interpretation of Iran's Rock Art", *Rock Art Research*, Vol. 32, No. 1, pp. 73-78.

Mortensen, I.D., 2010, "Luristan Pictorial Tombstones, Studies in Nomadic Cemeteries from Northern Luristan, Iran", *Acta Iranica*, Vol. 47, pp. 1-232.

Rafifar, J., 2007, "Some Indications of Shamanism in Arasbaran Rock Carvings", *Documenta Praehistorica*, Vol. XXXIV, pp. 203-213.

Rozwadowski, A., 2004, *Symbols through the Time, Interpreting the Rock Art of central Asia*, Institute of Eastern Studies, Adam Mickiewicz University, Poznan.

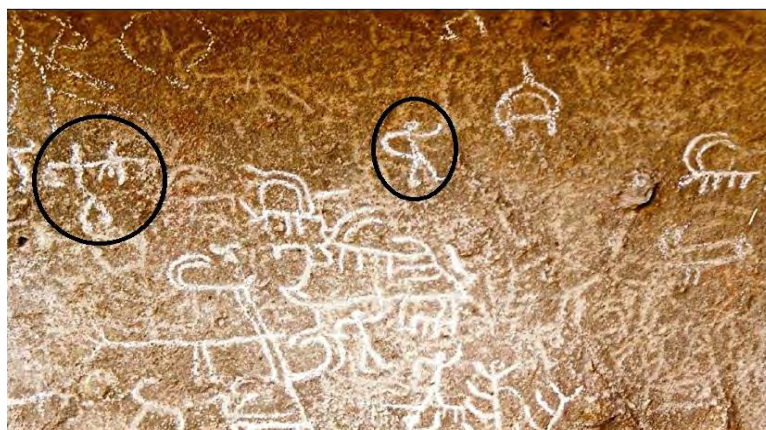
Sarhadi, F., 2013, "Pictographs and Petroglyphs of Saravan (Sistan & Baluchistan, Iran)", *Ancient Asia*, Vol. 4, No. 3, pp. 1-8.

Whitley, D.S., 1998, "Finding Rain in the Desert: Landscape, Gender and far Western North American Rock Art, In: *The Archaeology of Rock Art*, Chippendale, C., & Tacon, P.S.C., (Eds.), pp. 11-25, Cambridge: Cambridge University Press.

## تصاویر



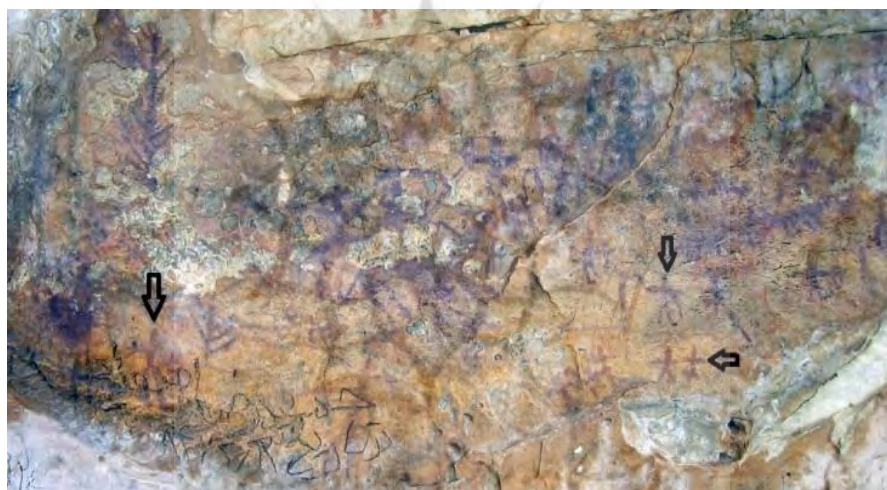
تصویر ۱: گروهی از سنگ‌نگاره‌های ارسباران (Rafifar, 2007: 207)، شباهت‌های انکارناپذیری بین این نقوش (به ویژه نقوش انسانی که با دایره در تصویر مشخص شده) با سایر سنگ‌نگاره‌های ایران دیده می‌شود.



تصویر ۲: گروه دیگری از سنگ‌نگاره‌های ارسباران (Rafifar, 2007: 206)، به شباهت نقوش انسانی درون تصویر با سایر نقاط ایران توجه شود.



تصویر ۳: سنگ‌نگاره‌های قروه کردستان (Lahafian, 2010: 181). به شباهت نقوش انسانی مشخص شده در تصویر با سنگ‌نگاره‌های ارسباران توجه شود.



تصویر ۴: شباهت نقوش انسانی نقاشی‌های میرملاس لرستان با نقوش ارسباران (عکس از نگارنده)



تصویر ۵: شباهت نقوش انسانی سنگ‌نگاره‌های منطقه بلوچستان با نقوش انسانی سنگ‌نگاره‌های ارسباران (Sarhadi, 2013: 3)



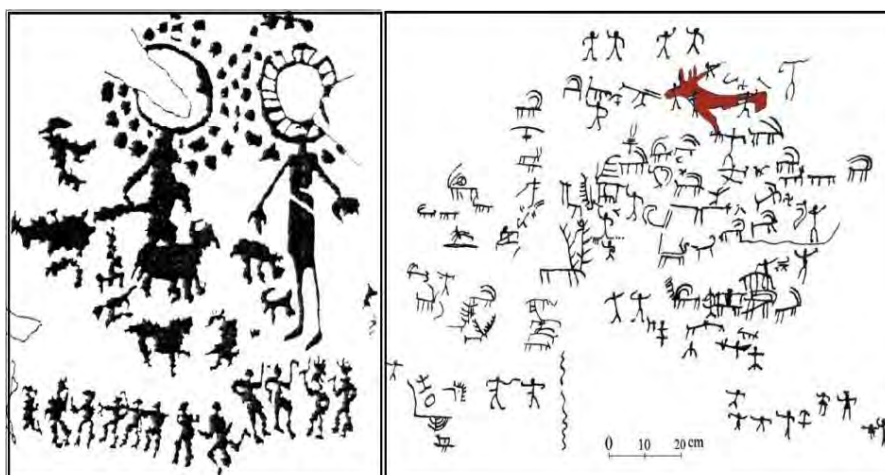
تصویر ۶: مشابهت نقوش انسانی میمند با نقوش انسانی ارسباران (ناصری‌فرد، ۱۳۸۵: ۴۸)



تصویر ۷: نقوش ملایر همدان (بیک محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۷). مشابهت نقوش انسانی با نقوش ارسباران. در تصویر تاریخ احتمالی حک شدن نقوش و نیز نام کسانی که سنگ‌نگاره‌ها را حک کرده‌اند با فلش مشخص شده است.



تصویر ۸: ادامه حک شدن سنگ‌نگاره‌های جدید بر روی سنگ‌های باستانی در منطقه تیمره (فرهادی، ۱۳۷۷: ۲۴۴). مشابهت قابل توجه نقش انسانی حک شده توسط شخصی به نام علی با نقوش انسانی ارسباران



تصویر ۹: مقایسه مجموعه اصلی سنگ‌نگاره‌های ارسباران (سمت راست) با سنگ‌نگاره‌های تام‌گلی قزاقستان (سمت چپ) (Rafifar, 2007: 208-)

(210)



تصویر ۱۰: مصاحبه با مرحوم عزیزمیراد شکارچی در منطقه بیستون. نامبرده قبل از مرگش تصاویر و نوشته‌های روی سنگ مزارش را برای ما تشریح کرد.



تصویر ۱۱: حک شدن یادگاری‌های جدید در مجموعه نقوش جربت خراسان شمالی (وحدتی، ۱۳۸۶: ۵۴)، به شباهت نقوش انسانی با نقوش انسانی ارسباران توجه شود.





تصویر ۱۲: حک شدن یادگاری‌های جدید بر دیواره‌های صاف شده غار کرفتو. توضیح اینکه در این غار سنگ‌نگاره‌های باستانی نیز دیده می‌شود (تصویر از مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی زیویه-کرفتو).



تصویر ۱۳: حک شدن نوشته‌ها و یادگاری‌های جدید در کنار سنگ‌نگاره‌های تاریخی منطقه هورامان در کردستان (عکس از نگارنده)



تصویر ۱۴: نمونه دیگری از حک شدن نوشته‌ها و یادگاری‌های جدید در کنار و بر روی سنگ‌نگاره‌های باستانی منطقه هورامان (عکس از نگارنده)